

## عوامل پیشرفت جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم و احادیث<sup>۱</sup>

اسماعیل عارفی گوروان<sup>۲</sup>

○ چکیده

قرآن و عترت دربردارنده چارچوب تمام نیازمندی‌های انسان و جامعه بوده و دارای نظام معرفتی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که در صورت به‌کارگیری آن‌ها می‌توان به هدف آفرینش انسان (خلیفه‌اللهی در زمین) نزدیک شده و با گسترش عدالت موردنظر قرآن و عترت، به رفاه عمومی و پیشرفت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... دست یافت. در قرآن، اصول و شاخص‌های پیشرفت جامعه در ابعاد و حوزه‌های متعدّد بیان شده است. با توجه به اینکه هدف از نگارش این مقاله استخراج عوامل پیشرفت در حوزه‌های زندگی فردی و جمعی در اجتماع اسلامی است با این توصیف در این مقاله نویسنده درصدد است، با استفاده از روش تحلیل اسنادی از روش‌های تحلیل کیفی به بررسی عوامل پیشرفت در جامعه اسلامی بپردازد و در این راستا به تشریح موارد تأثیرگذار در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که شاخصه‌های مهم پیشرفت است، پرداخته است؛ و بخشی از این علت‌ها و عوامل را برشمرده و با توجه به آیات قرآن کریم و استفاده از کلام آسمانی وحی الهی و دیدگاه مفسران و صاحب‌نظران به‌اجمال آن‌ها را مورد ارزیابی قرار داده است. با توجه به توصیف‌های فوق، نویسنده در این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که عوامل پیشرفت جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم چیست؟

**واژگان کلیدی:** پیشرفت، جامعه اسلامی، قرآن، حدیث، اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ، ایدئولوژی، شاخص‌ها.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۰

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب دانشگاه شاهد Arefiesmail69@yahoo.com

پیشرفت و تکامل از مهم‌ترین خواسته‌های جوامع بشری است. در جامعه اسلامی که بسیاری از ارتباطات و برخوردها بر اساس باورها و اعتقادهای مذهبی صورت می‌گیرد؛ بسیار ضروری است که پیشرفت، تکامل و حرکت روبه‌جلوی جامعه، نیز بر پایه آن بنا شود تا علاوه بر دستیابی به اهداف، مردم و متصدیان امر، انگیزه‌های قوی برای حرکت به سوی پیشرفت داشته باشند. اسلام دارای گنجینه گران‌قدر قرآن و عترت برای هدایت انسان‌ها به صراط مستقیم و برخورداری از نعمت‌های دنیوی و اخروی است که خداوند حکیم در قالب آخرین دین و کتاب آسمانی در اختیار بشریت قرار داده است. از ظهور اسلام تا سه قرن اخیر، با وجود تلاش دائمی دشمنان اسلام بر حذف آن، مسلمانان با شدت و ضعف در برخی قرون به دلیل قدرت یافتن یا ضعف دشمنان اسلام به پیشرفت‌های بی‌نظیر علمی در طب، معماری اسلامی و صنعتی و کاهش جرم در سیستم قضایی و ... دست یافتند که علاوه بر شهرت جهانی، سایر ملل نیز از این پیشرفت‌ها بهره برده و این موضوع جزو فرهنگ مرسوم آن‌ها شده است. با خداباوری و برنامه‌ریزی صحیح و مدیریت درست در کنار باروری خلاقیت و ابتکار و استفاده از فرصت‌ها و تلاش مستمر، می‌توان روزبه‌روز مسیر پیشرفت و تعالی را طی کرد. در پژوهش حاضر عوامل مؤثر در پیشرفت جوامع اسلامی را بر اساس شاخصه‌های مهم اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بخش‌بندی کرده‌ایم و با استفاده از آیات قرآن کریم و نظر مفسران و احادیث، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

## ○ ۱- تعریف مفاهیم

## ■ ۱-۱- پیشرفت

گفتمان حاکم بر جهان معاصر، گفتمان اومانستی است که یاد خدا در آن نیست یا اگر خدایی هست، از پروردگاری و ربوبیت او خبری نیست؛ بلکه همانند معتزله به تفویض امور به بشر قائل‌اند و با تکیه بر عقل و عقلانیت بشری و ابزاری می‌خواهند جهانی آرمانی بسازند که پایان تاریخ آن با لیبرال دموکراسی رقم خورده است. در چنین جهانی شاخص‌هایی که برای فلسفه زندگی و سبک زندگی آرمانی و مطلوب ارائه می‌شود، بر اساس فلسفه اومانیسیم و عقلانیت ابزاری با محوریت مادی‌گرایی است که معنویت و فرهنگ، در حاشیه تنها برای بزرگ کردن و آراستن دنیا به کار می‌آید. درحالی‌که گفتمان اسلامی، بر پایه اصولی اساسی چون مالکیت، ربوبیت و حکمت خدا و در چارچوب قوانین شریعت الهی، سبک زندگی خاصی را تعریف می‌کند که شاخص‌های آن با گفتمان اومانستی و غیر اسلامی تفاوت فاحش دارد. مشکل اساسی این است که در جوامع اسلامی همان شاخص‌های غیراسلامی به‌عنوان شاخص‌های بین‌المللی پیشرفت و توسعه از سوی دستگاه‌ها و نهادها پذیرفته شده و بر آن اساس سبک زندگی مردم هدایت، مدیریت و سازمان‌دهی می‌شود. در حقیقت مهندسی غربی است که سبک زندگی مردم را مدیریت می‌کند و اسلام تنها در حاشیه برای توجیه و آراستن استفاده می‌شود. این گونه است که تضاد در رفتار مسلمانان به‌طور کامل مشهود است و آنچه در حکمت نظری و عقلی باور دارند، در مقام عمل خلاف آن را انجام می‌دهند و از سوی علمای اسلامی عزم و اراده جدی و قوی برای اسلامی کردن شاخص‌ها کمتر دیده می‌شود (اسدی، ۱۳۶۹، ص ۶-۹). درباره ارائه یک تعریف از پیشرفت آن چیزی که ابتدا به ذهن خطور می‌کند این است که پیشرفت یعنی حرکت از شرایط

و وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب و بهینه در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛ یعنی جامعه ما به یک سطحی از رونق و پیشرفت در عرصه‌های مختلف برسد که از نظر ما مطلوب و بهینه است. الگوی پیشرفت به‌مثابه نقشه راهی است که ما را از وضع موجود جهت رسیدن به وضع مطلوب هدایت می‌کند. فرق پیشرفت با توسعه یکی از این جهت است که توسعه یک واژه غیربومی است و مقام معظم رهبری K اشاره کردند که واژه توسعه بومی نیست و ما باید از واژه‌هایی که در چارچوب مبانی فکری و دینی خودمان معنا دارد، استفاده کنیم (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸).

## ■ ۲-۱- پیشرفت از منظر قرآن

در دنیای امروز هر نوع ترقی، تکامل و پیروزی انجام بگیرد، اگرچه در بُعد مادی و همراه با گناه، انحطاط، ظلم و تجاوز باشد بدون توجه به قانون الهی آن را پیشرفت می‌دانند؛ ولی فرهنگ قرآن کریم، قوانین تشریحی الهی را که از طرف خدا آمده است، مکمل قوانین تکوینی آفرینش و خلقت می‌داند، چنانچه هر تمدنی، برنامه عملی آن‌ها با قوانین الهی و تکوینی منطبق‌تر باشد و برای خدا عمل کنند باشد، آن تمدن را پیشرفته می‌داند و برنامه خواسته‌های مادی آن‌ها هم حساب‌شده‌تر خواهد بود؛ ولی هر تمدنی که پایبند به قوانین الهی و انبیا نباشد و فرهنگ پذیرش قوانین الهی را نداشته باشد، آن را علاوه بر این که تمدن نمی‌داند، پیشرفت هم به حساب نمی‌آورد و مسیر آن را به سوی انحطاط و نابودی می‌انگارد؛ بنابراین لازم است به آیات ذیل توجه شود: «أَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَ آتَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»؛ پس هر کس از حکم شرع خدا سرکش و طاغی شد، وزندگی دنیا را برگزید، دوزخ جایگاه اوست (نازعات: ۳۷-۳۹). قرآن محدود کردن زندگی به پیشرفت‌های مادی را نه تنها پیشرفت در تمدن نمی‌داند، بلکه نوعی طغیان برمی‌شمارد که موجب عذاب خواهد شد. در مورد فرعون که پیشرفت مادی فوق‌العاده‌ای داشت و در شمار ارکان تمدن بشری در تاریخ شناخته می‌شود، قرآن کریم می‌فرماید: «وَ قَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَ اشدُّدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»؛ و موسی به پروردگار خود عرض کرد بارالها! تو به فرعون و فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال و زیورها بسیاری بخشیدی که بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه کنی، بار خدایا اموال آن‌ها را نابود گردان و دل‌هایشان را سخت بریند که اینان هرگز ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند (یونس: ۸۸). به دنبال آن قرآن کریم می‌فرماید: «دعای موسی مستجاب شد و فرعون غرق گشت و بدنش به‌عنوان نشانه و عبرت باقی ماند».

این آیات در قرآن به‌عنوان نمونه ذکر شده است؛ زیرا بیشتر آیات تاریخی قرآن زندگی ملت‌هایی است که با پیامبران به مخالفت برخاستند. از منظر قرآن حیات آنان غیرمعقول، دردآلود، فاسد، گمراه و گرفتار عذاب قهر الهی بود؛ در مقابل زندگی پیروان انبیا را در مسیر پاکی، آرامش، عدم خوف، گوارا، مطمئن و حسن عاقبت معرفی می‌نماید. اگر فلسفه تاریخی قرآن کریم جمع‌آوری شود به دست می‌آید که قرآن کریم چهره تمدن منهای خدا را، سیاه و دردآلود معرفی می‌کند. برای رسیدن به پیشرفت با در نظر داشت معیاری به نام دین باید حتماً با عوامل پیشرفت و موانع آن آشنا شد تا بتوان از این راه دشوار عبور کرده و به آنچه مطلوب و مورد توجه است، رسید. چه بسیار جوامعی که گرفتار اسراف و ریخت‌وپاش‌های مالی و... شده‌اند و چاره‌اندیشی و آتیه‌نگری نداشته‌اند و سقوط نموده‌اند... ولی در عوض جوامعی هم

بوده‌اند که با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح در کنار باروری خلاقیت و ابتکار و استفاده بهینه از فرصت‌ها، تلاش و پیگیری‌های اساسی و مستمر و... روزبه‌روز مسیر پیشرفت و تعالی را طی کرده‌اند.

○ ۲- عوامل پیشرفت جامعه اسلامی

■ ۲-۱- عوامل اعتقادی و اخلاقی

#### ● الف) ایمان و خداباوری

ایمان، عامل بزرگ پیشرفت به شمار می‌رود، چنان‌که خواجه طوسی می‌نویسد:

«ایمان عبارت است از باور داشتن؛ و این باور داشتن، اثرات شگرفی در زندگی، رشد و پیشرفت انسان بر جای می‌نهد؛ چراکه باور عمیق، قدرت تحمل انسان را بالا می‌برد، روح امید و فداکاری به انسان می‌بخشد، زندگی را شاداب و پرنشاط می‌سازد. آفت تشویش و اضطراب را از دل‌وجان دور کرده ابرهای تیره‌وتار دلهره‌ها و امواج شکننده ترس و اندوه را از آسمان زندگی بشر محو می‌کند» (طوسی، بی‌تا: ۶).

ایمان به خدا و حقایق والای توحیدی افزون بر آثار و برکات ارزشمند فردی و اجتماعی، نقش حیاتی و تعیین‌کننده‌ای در پیدایش جامعه‌ها و تمدن‌ها و پیشرفت بشر داشته و او را به سوی رستگاری و رسیدن به قله شامخ «خلیفه‌اللهی» در زمین کمک می‌کند. قرآن در حدود ۸۵۰ مرتبه واژه «ایمان» را با مشتقات گوناگونش به‌کاربرده و آن را از مهم‌ترین عوامل رشد و پیشرفت انسان و راز بزرگ سازندگی جامعه عنوان کرده است (عبدالباقی، ۱۳۸۳، ص ۲۰). در آموزه‌های قرآنی، پیشرفت و سعادت حقیقی تنها در پرتو ایمان به خدا و عمل به مقررات عادلانه و انسانی و رعایت حقوق دیگران، میسر است؛ همچنان‌که امنیت و آرامش، عزت و اقتدار، برادری و عدالت واقعی نیز تنها در خداباوری و تقوای پیشگی است. قرآن راز رشد و پیشرفت را این‌گونه بیان می‌کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردم شهرها و سرزمین‌ها ایمان می‌آوردند و تقوای پیشگی می‌کردند، بی‌تردید برکاتی از آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ اما آنان حق را دروغ انگاشتند؛ ما هم به کيفر دستاوردشان گریبان آنان را گرفتیم (اعراف: ۹۶). در آیه‌ی دیگر برای مؤمنان رستگاری و پاداش در زندگی دنیا و سرای آخرت را نوید می‌دهد (یونس: ۶۲-۶۴). بدین‌جهت ایمان و خداباوری نقش اساسی در زندگی فردی و اجتماعی افراد داشته و در آموزه‌های قرآنی نوید پیشرفت و رستگاری دنیا و آخرت برای آن‌ها داده‌شده است.

#### ● ب) عدالت‌خواهی

اقامه عدالت، ستون اصلی تعالی و پیشرفت جامعه اسلامی است؛ لذا یکی از شاخصه‌های اصلی جامعه پیشرفته از منظر قرآن کریم، عدالت و دادگری همه‌جانبه توسط مردم است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ به‌راستی ما پیامبران خود را با دلیل‌های آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب ترازو را فرود آوردیم تا مردم به عدل و انصاف برخیزند (حدید: ۲۵). نکته قابل‌تأمل در آیه مذکور، آن است که عدالت را به‌عنوان وصف مجموع مردم جامعه و نه به‌عنوان وصف اخلاق شخصی افراد مطرح کرده است، هرچند یکی از لوازم تحقق عدالت اجتماعی آن است که افراد عدالت‌خواه تعلیم‌یافته و در زندگی فردی و خانوادگی خود نیز به عدالت رفتار کنند (آشنائی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴). بنا بر آموزه‌های قرآنی از یک‌سو، عدالت‌ورزی مأموریت رهبران آسمانی و مسئولان جامعه دینی است (شورا: ۱۵)؛ و از سوی

دیگر، برپایی عدالت، وظیفه یکایک افراد جامعه‌ی الهی نیز است (نحل: ۹۰؛ نساء: ۱۳۵). در قرآن کریم تمامی مسائل و حقایق و معارف، از توحید و خداپرستی گرفته تا معاد و زندگی در عالم برزخ و قیامت، از نبوت گرفته تا امامت و سرپرستی جامعه، از معیار کمال فردی و اجتماعی گرفته تا ترقی و پیشرفت جامعه انسانی، همه و همه بر محور عدل و دادگری استوار است. عدل هم‌دوش تقوا، معاد و ایمان به جهان آخرت است. فلسفه بعثت‌های آسمانی و از شرایط تصدی‌پست‌های اجرائی در جامعه‌ی توحیدی و اسلامی است که بشر در آرزوی تحقق آن است (کرمی فریدونی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۷). از این رو، جامعه و پیشرفت و توسعه در آن، هرگز نمی‌تواند به صورت جدا و ناهماهنگ با جریان عمومی خلقت دوام آورده و به سیر تکاملی خود ادامه بدهد. بی‌تردید جهان را نظام و میزانی است و بر اساس عدل و داد در جریان است.

#### • ج) اعتدال و میانه‌روی

جامعه‌ی ایدئال و آرمانی در مسیر پیشرفت و ترقی خود از افراط و تفریط احتراز نموده، حد اعتدال را رعایت می‌کند. قرآن کریم اعتدال را نه وصف فرد، بلکه به‌عنوان ویژگی جامعه مطلوب مورد توجه قرار می‌دهد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»؛ و بدین گونه شمارا امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد (بقره: ۱۴۳). واژه‌ی «وسط» هم به معنای متوسط میان دو چیز آمده و هم به معنای جالب و زیبا و مال شریف و این هر دو ظاهراً به یک حقیقت بازمی‌گردد؛ زیرا معمولاً شرافت و زیبایی در آن چیزی است که از افراط و تفریط به دور بوده و در حد اعتدال باشد (مطهری، ۱۳۵۲، ص ۶۰-۶۱). ولی علامه طباطبایی، واژه «وسط» در آیه مذکور را به معنای واسطه‌بودن امت اسلامی میان پیامبر ۷ و سایر مردم می‌داند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۲). به استناد اطلاق آیه، می‌توان گفت: اعتدال و میانه‌روی در امت اسلامی، همه‌جانبه است و عرصه‌های گوناگون زندگی امت اسلامی را در برمی‌گیرد. یک مسلمان واقعی در یک جامعه‌ی آرمانی و در حال پیشرفت هرگز از سانی یک‌بعدی نیست، بلکه انسانی است با ابعاد و قابلیت‌های مختلف (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۴۸۷).

#### • د) اتحاد و همبستگی

اتحاد در آموزه‌های قرآنی را باید یکی از ویژگی‌های بارز و عام جامعه‌ی رشدیافته دانست؛ زیرا یکی از آموزه‌های مؤکد قرآن در خصوص نظام اجتماعی آرمانی، اتحاد و پرهیز از اختلاف و تفرقه‌گرایی است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید (آل عمران: ۱۰۳). قرآن، نه تنها تفرقه را برای جامعه مطلوب خود نمی‌پسندد، بلکه جامعه اسلامی را از همانندی با تفرقه و اختلاف افکنان بر حذر می‌دارد (آل عمران: ۱۰۵). قرآن فلسفه تأکید بر اتحاد و دوری از اختلاف را حفظ شکوه و عظمت جامعه‌ی اسلامی معرفی می‌کند (انفال: ۴۶)؛ و گستره آن را همه افراد امت دانسته و محور آن را درجه نخست، بندگی پروردگار عالمیان (انبیاء: ۹۲)؛ و سپس اطاعت از رسول خدا ۷ معرفی کرده است (انفال: ۴۶). از این رو، با پیروی از آموزه‌های وحدت‌بخش قرآن کریم، می‌توان بنای عالی و شکوهمند تمدن اسلامی را پی‌ریزی کرد و جامعه اسلامی را از آموزه‌های که موجب اختلاف و تشتت مسلمانان است نجات داد و به سعادت‌ی که قرآن نوید داده است رهنمون کرد.

● (ه) محبت و مهرورزی

یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه‌ی مترقی و آرمانی قرآن که می‌تواند انسان را از انحطاط فکری و رفتاری نجات بخشد، گسترش دوستی و مهرورزی و جلوه‌های رفتاری آن همانند احسان، انفاق، صله‌ی ارحام، ایثار و عفو است. تکرار واژه «رحمان و رحیم» به‌عنوان صفت خداوند، از آموزه‌های اساسی قرآن است که حداقل ۱۱۴ بار در پی «بسم‌الله» تکرار شده است. افزون بر آن، قرآن بر الفاظ مترادف و مفاهیم رحمت و مهرورزی بسیار تأکید کرده است. از آنجاکه شهروندان جامعه‌ی رشد یافته، باید آینه و تجلیگاه و مظهر وصف رحمانی و رحیمی او شوند، این همه تأکید و تکرار درباره‌ی وصف رحمت و مهرورزی خداوند متعال در قرآن کریم که بی‌نظیر است، نشانه‌ی آن است که رابطه‌ی میان افراد جامعه باید رابطه‌ی مهرورزی، سعادت‌مندی، رحمت، ایثار و چشم‌پوشی از خطای یکدیگر باشد (سید قطب، بی‌تا: ص ۲۳). از طرف دیگر، ایمان که رکن اصلی دین‌داری است، بر پایه معرفت عاشقانه نسبت به خداوند استوار است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند (بقره: ۱۶۵). براین اساس است که دین‌باوری در دوستی صادقانه به خداوند، اولیای الهی و سایر مؤمنان تجلی می‌یابد و دیگر فروع دین را می‌توان با این معیار تبیین کرد. بنابراین، افراد جامعه‌ی خداجوی قرآنی نه تنها به پرستش خداوند روی می‌آورند، بلکه بین خود، رهبران و یکایک شهروندان نیز دوستی عمیق الهی را تجربه می‌کنند؛ به هم دیگر مهر می‌ورزند و با این مهرورزی و بر اساس عدل، نظام اجتماعی سامان می‌یابد (محمدی آشنائی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶). فرایند چنین تعالیم آسمانی این خواهد شد که صمیمیت و اعتقاد کامل میان افراد برقرار شده و امت واحده‌ی اسلامی بر پایه عدالت و محبت به وجود خواهد آمد که در آن ظلم و حق‌کشی نبوده و جامعه‌ی الهی و آرمانی شکل خواهد گرفت.

■ ۲-۲- عوامل فرهنگی و سیاسی

بعد از عوامل اعتقادی برای پیشرفت و تعالی جامعه‌ی الهی از منظر قرآن کریم عوامل فرهنگی و سیاسی است که نقش اساسی و محوری در پیشرفت جامعه و انسان‌ها دارد؛ در این مجال اندک، به بخشی از این عوامل اشاره می‌شود.

● (الف) علم و خردورزی

آیات آغازین سوره‌ی «علق» (علق: ۱-۵). به اعتقاد غالب یا همه‌ی مفسران، نخستین آیاتی است که بر قلب پاک پیامبر ۷ نازل شده است و با تابش نخستین اشعه‌ی وحی، فصل تازه‌ای در تاریخ بشریت آغاز شد و نوع بشر، مشمول یکی از بزرگ‌ترین الطاف الهی گشت. کامل‌ترین دین الهی که نقطه پایان ادیان بود، نازل گردید؛ و پس از نزول تمام احکام و تعلیمات اسلامی به مصداق: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ دین الهی تکمیل و نعمتش به حد تمام و کمال رسید و اسلام دین مورد رضایت پروردگار قرار گرفت (مائده: ۳). موضوع قابل تأمل این است باینکه پیامبر اکرم ۷، «أمی» و درس‌نخوانده بود و محیط حجاز در جهل و نادانی به سر می‌برد، در نخستین آیات وحی تکیه بر «علم» و «قلم» شده که بعد از نعمت بزرگ آفرینش، ذکر شده است. در حقیقت آیات نخست از تکامل «جسم انسان خبر می‌دهد و سپس از تکامل روح» به وسیله‌ی تعلیم و تعلم با ابزار قلم سخن می‌گوید. از این رو، خداوند به قلم و آنچه می‌نویسد سوگند یاد کرده است؛ که این خود پاسداشت حرمت قلم و نوشته را می‌رساند که خداوند متعال

آن را شایسته قسم خوردن دانسته و به آن سوگند یاد کرده است. از سوی دیگر، قرآن کریم که خود معجزه‌ی جاوید رسول خدا<sup>۷</sup> و سند راهنمای بشریت است، خود یک نوشته است؛ بدین جهت قلم، نوشتن و خواندن، نقش بی‌بدیلی در تعلیم و هدایت جامعه‌ی بشری دارد و هر روز که می‌گذرد بر اهمیت آن افزوده می‌شود (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۳-۴). از طرفی، همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم بیش از سیصدبار مردم را به تفکر و اندیشیدن فراخوانده (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۵). از طرف دیگر، به رسول خودش چنین تعلیم داده است: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ و بگو: پروردگارا! بردانشم بیفز (طه: ۱۱۴). از این رو، علم و خردورزی که اساس هر نوع تحول و پیشرفت جامعه‌ی انسانی است، از ویژگی‌های بارز آیین آسمانی اسلام است که از آغاز بر آن تأکید کرده است. نکته‌ی قابل توجه این است که نه تنها علوم دینی و الهی فراگرفته شود؛ بلکه آموزش همه‌ی علوم مفید و موردنیاز باید توجه گردد. با توجه به تأکید اسلام بر علم و خردورزی، هر نوع پیشرفت جامعه در سایه علم و آگاهی میسر است و بدون آن نمی‌توان هیچ برنامه‌ی سودمندی را به مرحله‌ی اجرا گذاشت؛ لذا ضروری است به تمامی دانش‌ها که مفید برای مردم و جامعه است توجه جدی صورت گیرد و برای استفاده و بهره‌گیری از آن برنامه‌ی لازم به اجرا درآید.

#### • (ب) امنیت

یکی از عواملی که نقش انکارناپذیری در پیشرفت و تحول مثبت در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی دارد، برقراری امنیت و ثبات در جامعه است. اگر امنیت نباشد زندگی مردم دچار اختلال شده و نمی‌توان برنامه‌ای برای آینده در نظر گرفت. قرآن کریم، به جنبه‌های مختلف امنیت اشاره کرده و اهمیت آن را یادآور شده است: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»؛ همان خدایی که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم دشمن آسوده‌خاطرشان کرد (قریش: ۴). در این آیه‌ی شریفه، در کنار تأمین معیشت، امنیت را به‌عنوان یک شاخص اصلی جامعه‌ی مطلوب قرار داده است. قرآن، امنیت و آرامش را همراه با رفاه اقتصادی از ویژگی‌های جامعه‌ی سعادت‌مند معرفی کرده (نحل: ۱۱۲). و در آیه‌ی دیگر، به صراحت به این حقیقت تأکید کرده و امنیت را زمینه ساز برای عبادت پروردگار برشمرده است (نور: ۵۵).

#### • (ج) رفاه

رفاه و برخورداری، بدون شک در پیشرفت مردم و جامعه نقش اساسی دارد و می‌تواند به مؤمنان کمک کند تا به اهداف الهی‌شان برسند؛ ولی تا زمانی می‌تواند نقش مثبت داشته باشد که همراه با ایمان و دین‌مداری باشد؛ زیرا خداوند است که امکانات پیشرفت را در اختیار انسان‌ها قرار داده و زمین را مسخر او کرده است تا بهره‌برداری کند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»؛ او است کسی که زمین را برای شما رام گردانید؛ پس در فراخ نای آن رهسپار شوید و از روزی خدا بخورید و رستاخیز به سوی اوست (ملک: ۱۵). از دیدگاه قرآن کریم، هرچند همه‌ی موجودات و از جمله انسان‌ها، از نعمت‌ها و برکات الهی برخوردارند ولی آن‌هایی که ایمان آورده و تقوای الهی پیشه کرده‌اند از برکات آسمان و زمین بیشتر برخوردار می‌باشند (اعراف: ۹۶).

#### • (د) مشارکت و نظارت همگانی

در جامعه‌ی دینی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر چنان کاربرد دارد که به‌عنوان یک قانون نظارتی، همگان را ناظر و

مسئول حسن اجرای فرمان‌ها الهی و اجتماعی می‌داند؛ که از طرفی افراد را تشویق به کارهای خیر می‌کند و از طرف دیگر از کارهای خلاف و ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری می‌نماید. قرآن کریم در آیات سوره «عصر» (عصر: ۱-۳). بعد از ایمان و عمل صالح، اجرای امر به معروف و نهی از منکر، با اجرای این اصل، نابسامانی‌های اجتماعی از بین می‌رود؛ و در سوره آل عمران، ذکر امر به معروف و نهی از منکر، بر ایمان به خداوند مقدم شده است (آل عمران: ۱۱۰). از این آیه سوره آل عمران این نکته‌ی مهم به دست می‌آید که مشارکت و نظارت همگانی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر تبلور یافته و باعث برتری بر دیگر امت‌ها شده است. از این رو، احساس مسئولیت اجتماعی یکی از وظایف مهم مؤمنان و سبب تعالی و برتری بر دیگر جوامعی می‌شود که افراد آن مسئولیت اجتماعی نداشته و خود را جدای از سرنوشت دیگران می‌دانند؛ اما امر به معروف و نهی از منکر زمانی مؤثر است که مراتب و شرایط آن به خوبی توجه و درست عمل شود و از افراط و تفریط و اعمال سلیقه پرهیز گردد.

#### • (ه) آزادی

روشن است جامعه‌ای می‌تواند به رشد و شکوفایی برسد که مردمان آن حق انتخاب داشته و اجباری در کار نباشد و از آزادی عقیده و بیان و آزادی فردی و اجتماعی برخوردار باشند؛ در این صورت است که استعدادها شکوفا شده و خلاقیت و نوآوری زمینه ظهور و بروز پیدا می‌کند. قرآن کریم در آیات متعدد به آزادی‌های معقول صحه گذاشته و برای مردم یادآور شده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بی‌راه به خوبی آشکار شده است (بقره: ۲۵۶). علامه طباطبایی (و) در این زمینه می‌نویسد:

«اما تحمیل عقیده بر مردم یا از مجرای اعمال قدرت و به کار انداختن تازیانه و شمشیر و تکفیر و تبعید و حبس و ایجاد خفقان در روح و قلب مردم و هرگونه تهوج فکری را در هم شکستن، روشی است که محال است دین حق به آن راضی شده یا اینکه گفتاری در تأیید آن بیاورد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۲۴).

از طرفی، قرآن کریم یکی از وظایف رسول مکرم اسلام را گشودن قیدوبند از دست و پای مردم بیان کرده است: «و يَضَع عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ و از دوش آنان قیدوبندهایی را که برایشان بوده است برمی‌دارد (اعراف: ۱۵۷). بدین جهت انبیای الهی مثل حضرت ابراهیم T و دیگر پیامبران با ستمگران به مبارزه برخاسته‌اند که داستان برخی از این مبارزات در قرآن کریم بیان شده است؛ و نیز آیه‌ی ذکر شده آزادی فکر و اندیشه را یادآور می‌شود که پیامبران با آزادسازی بشر از فکر و اندیشه‌ی غلط که مثل زنجیر او را گرفتار کرده به آزادی واقعی دست خواهند یافت.

#### • (و) نظم و انضباط

بسیاری از کارها بدون رعایت انضباط به سامان نمی‌رسند؛ لذا بخش بزرگی از شکست‌ها و ناکامی‌ها که دامن‌گیر جمعیت‌ها، گروه‌ها و لشکرها شده از همین رهگذر بوده است. قرآن کریم این مسئله مهم را در عبارات کوتاه مطرح کرده و می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمارید و پیشی مگیرید (حجرات: ۱). گستره موضوع آیه به گونه‌ای است که هرگونه تقدم و تأخر و گفتار و رفتار خودسرانه و خارج از دستور رهبری را شامل می‌شود.

• (ز) اطاعت از خدا و پیامبر

یکی از مواردی که سبب می شود نعمت و رحمت الهی شامل حال انسانها بشود، اطاعت و پیروی از فرمانها خدا و پیامبر است که در این صورت جامعه مؤمن و مترقی سامان خواهد یافت: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»؛ با کسانی که دستور خدا و پیامبر را اطاعت کنند، خدا آنها را با کسانی قرار می دهد که مشمول نعمت خود ساخته، از پیامبران و رهبران صادق و راستین و جانبازان و شهیدان راه خدا و افراد صالح و اینان رفیقان خوبی هستند (نساء: ۶۹). این آیه، افراد مورد نعمت خدا را چهار گروه معرفی می کند: پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان. این مراحل چهارگانه شاید اشاره به این معنا باشد که برای ساختن یک جامعه انسانی سالم و پیشرفته و مؤمن، نخست باید رهبران حق و انبیا وارد میدان شوند؛ و به دنبال آنها مبلغان صدیق و راست گو که گفتار و کردارشان با یکدیگر هماهنگ است تا اهداف پیامبران را از این طریق در همه جا گسترش دهند. به دنبال این سازندگی فکری، جمعی باید در مقابل کسانی که در مقابل حق ایستاده اند قیام کرده و شهید شوند تا از این طریق آیین حق از آسیبها در امان بماند. در مرحله چهارم محصول این کوششها و تلاشها به وجود آمدن «صالحان» است، اجتماعی پاک و شایسته و آکنده از معنویت؛ بنابراین، آیه هفتم سوره حمد که فرموده: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» به این چهار گروه اشاره کرده که ما در هر مقطع زمانی باید در یکی از این خطوط، انجام وظیفه کنیم و رسالت خویش را ادا کنیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۵۴-۵۵).

• (ح) تلاش همه جانبه

یکی از راههای رسیدن به پیشرفت و کسب رضایت پروردگار طبق آیات شریفه قرآن کریم جهاد و تلاش مستمر همه جانبه در راه خداوند متعال است: «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ کسانی که در راه ما جهاد کنند ما آنها را به طریق خویش هدایت می کنیم و خداوند با نیکوکاران است (عنکبوت: ۶۹). حالا این که منظور از «جهاد» در اینجا چیست؟ آیا جهاد با دشمن است، یا جهاد با نفس، یا جهاد در راه شناخت خدا از طریق علمی و استدلالی؟ مفسران احتمالات متعددی داده اند؛ و همچنین در مورد واژه «فینا» که آیا منظور در راه رضای خداست، یا در راه جهاد با نفس، یا در طریق عبادت، یا در طریق مبارزه با دشمن؟ صاحب تفسیر نمونه معتقد است که هم تعبیر به «جهاد» تغییر و سبب و مطلق است و هم تغییر «فینا»؛ بنابراین هرگونه جهاد و تلاش را که در راه خدا و برای او و به منظور وصول به اهداف الهی صورت گیرد شامل می شود؛ و منظور از «سبیل» در اینجا نیز راههای مختلفی است که به سوی خدا منتهی می شود؛ چه راه جهاد با نفس باشد، یا راه مبارزه با دشمنان و یا راه دانش و فرهنگ. این وعده ایست که خداوند مؤکداً به همه مجاهدان راهش داده و پیروزی و موفقیت و ترقی را در گرو جهاد و خلوص نیت شمرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۹-۳۵۰).

قرآن کریم در آیه دیگری، این سیر تکامل و پیشرفت را توأم با تلاش و رنج معرفی می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَاءَكُم بِأَنْفُسِكُمْ وَأَلْجَأْنَا بَعْدَ الْكُفْرِ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ كُفْرًا فَاصْبِرْ إِنَّ عَذَابَ الْكُفْرِ لَشَدِيدٌ»؛ ای انسان تو با تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت پیش می روی و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد (انشقاق: ۶). واژه «کدح» به معنای کوششی است که همراه با رنج و سختی باشد و در جسم و جان

انسان اثر بگذارد. در تفسیر «کشاف» و «فخر رازی» و «روح المعانی» آمده است؛ که این واژه در اصل به معنای خراشی است که بر پوست بدن وارد می شود و به همین جهت به تلاش هایی که در روح انسان اثر می گذارد، اطلاق می شود. این آیه اشاره به یک اصل اساسی در زندگی همه انسان ها دارد و آن اینکه زندگی همواره آمیخته با زحمت و رنج است، حتی اگر هدف رسیدن به مال دنیا باشد؛ اما خطاب این آیه به «انسان» بیانگر این حقیقت است که خداوند نیروهای لازم را برای این حرکت مستمر الهی در وجود انسان که اشرف مخلوقات است آفرید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۰۰-۳۰۱)؛ بنابراین، پیمودن مسیر تکامل و پیشرفت و رسیدن به مقام قرب الهی، نیاز به تلاش مستمر و همه جانبه دارد که همراه با زحمت و مشقت است و بدون آن نمی توان به هدف خود دست یافت.

#### • ط) تقویت بنیه دفاعی در مقابل دشمن

آمادگی دفاعی و تقویت آن از جمله مسائل مهمی است که جامعه اسلامی را از مخاطرات احتمالی حفظ کرده و باعث تقویت و پیشرفت آن می شود. قرآن کریم به این مهم این گونه پرداخته است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» در برابر آن ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از «نیرو» آماده سازید (و همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از این ها را که شما نمی شناسید و خدا می شناسید و خدا می شناساند و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید به شما بازگردانده می شوند و به شما ستم نخواهد شد (انفال، آیه: ۶۰).

در این آیه به یک اصل حیاتی که در هر عصر و زمان باید مورد توجه مسلمانان باشد اشاره می کند و آن لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است. کلمه «قوه» کوچک اما پر معنا است، نه تنها وسایل جنگی و سلاح های مدرن هر عصری را شامل می شود، بلکه تمام نیروها و قدرت هایی را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد اعم از نیروی مادی و معنوی را در برمی گیرد؛ بنابراین، علاوه بر اینکه باید از پی شرفه ترین سلاح های هر زمان بهره گیری کرد، باید به تقویت روحیه و ایمان سربازان پرداخت؛ که قوه و نیروی مهم تری است. از قدرت های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که آن ها نیز در مفهوم «قوه» هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد نیز نباید غفلت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۲-۲۲۴).

بدین جهت یکی از شرایط پیشرفت و تقویت جامعه اسلامی و حفظ آن از مخاطرات احتمالی، آمادگی دفاعی در تمامی زمینه ها و شرایط روز است تا دشمن فکر حمله و ضربه زدن به مسلمانان را به خود راه ندهد که از جمله می توان به جنگ نرم و هجوم فرهنگی اشاره کرد که رهبر معظم انقلاب به خوبی و به جا این خطر دشمن را حس کرده و بارها در این زمینه هشدار داده است و مسلمانان باید این خطر را جدی گرفته و واکنش مناسب از خود نشان دهند.

#### • ی) اطاعت از پیامبر و رهبر امت اسلامی

یکی از راه های رسیدن به کمال و پیشرفت و حفظ جامعه اسلامی از توطئه های دشمن، اطاعت و پیروی از رسول مکرم اسلام و صاحبان امر پس از او و رهبر جامعه اسلامی است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا را و اولوالأمر را (نساء: ۵۹). این نکته در این

آیه قابل تأمل است که اطاعت از خدا و پیامبر و اولوالأمر از جانب آن‌ها که مراد ائمه T و ولی فقیه در زمان غیبت است، در یک مرتبه و در یک ردیف قرار گرفته‌اند؛ یعنی اطاعت از پیامبر V و ائمه و رهبر دینی جامعه اسلامی، به منزله اطاعت از خداوند قلمداد شده است؛ که این نکته از طرفی، عظمت مقام زعامت و رهبری جامعه اسلامی را می‌رساند و از طرف دیگر، فرمان خداوند به اطاعت امت اسلامی از دستور رهبری است. از این رو، رهبر مسلمانان به عنوان سکان‌دار جامعه اسلامی نقش اساسی در پیشرفت و حفظ آن از خطرات احتمالی می‌تواند داشته باشد.

### ■ ۳-۲. عوامل اقتصادی

یکی از مسائل مهم در پیشرفت جوامع، عوامل اقتصادی است. اگر چرخ‌های اقتصاد یک کشور از حرکت بازماند، دچار مشکلات بسیار بزرگی خواهد شد و همه فعالیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. در نظام اقتصادی دینی، رشد و توسعه اقتصادی و سلامت و عدالت اقتصادی هم‌زمان، مورد توجه است؛ آیات قرآن به خوبی نشان می‌دهد که در هیچ دینی همانند اسلام به شیوه‌ها و عناوین مختلف توزیع ثروت و عمومی کردن پول و سرمایه توجه نشده است. برای اساس، توزیع عادلانه ثروت بین نیازمندان در قالب پرداخت خمس، زکات، فطریه، قرض‌الحسنه، انفاق، احسان، صدقه، وصیت، هبه و بخشش، قربانی، اطعام، نذر، مهمانی و وقف سامان یافته و اگر درست عمل شود جامعه دوقطبی برخوردار و فقیر، به وجود نیامده و ثروت به طور عادلانه در اختیار همگان قرار خواهد گرفت. برای تحقق توسعه و پیشرفت در امور اقتصادی، موارد چندی باید مورد توجه قرار گیرد:

#### • الف) به‌کارگیری متخصصان اقتصادی

ضروری است در هر فن و رشته‌ای به آگاهان آن فن مراجعه شود، طبیعی است که در امور اقتصادی نیز به متخصصان و اقتصاددانان مراجعه شود. از این رو در مسائل اقتصادی از کارشناسان اقتصادی استفاده شود و ثروت و دارایی عمومی و یا خصوصی در اختیار افراد غیر وارد قرار داده نشود: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ»؛ و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام زندگی شما قرار داد، به سفیهان ندهید (نساء: ۵). بدین جهت، رونق بازار اقتصاد به این است که متصدی آن کارشناسان اقتصادی باشد و بداند که چگونه امور اقتصادی را مدیریت کند تا پیشرفت اقتصادی به دست آید. در جامعه الهی و آرمانی، تولید ثروت و وسایل مورد نیاز جامعه مورد توجه قرار گرفته و به آن سفارش شده است؛ زیرا در این صورت علاوه بر تأمین نیازهای زندگی و مالی افراد و برخورداری از نعمت‌های الهی از پیامدهای منفی فقر و کمبود مالی محفوظ مانده دچار بحران‌های اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی نخواهد شد.

#### • ب) توجه ویژه به تولید

از این رو در آیات قرآن کریم، ثروت باعث خوشبختی دنیا و آخرت به حساب آمده (اعراف: ۱۲۸؛ نحل: ۳۰)؛ و برپایی دین و دنیا منوط به آن شده (نساء: ۵)؛ و به آبادسازی و بهره‌وری از زمین فراخوانده شده است: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ او شمارا از زمین پدید آورد و شمارا به آبادانی آن واداشت. (هود: ۶۱). بدین جهت، تولید یکی از ارکان توسعه اقتصادی به شمار می‌رود که هم باعث رونق مالی می‌شود و هم بیکاری و تن‌پروری را که عواقب سوء بی‌شماری دارد از بین می‌برد و شکوفایی اقتصادی را سبب می‌شود.

• (ج) اهمیت دادن به کشاورزی و دامداری

اهمیت کشاورزی و دامداری برای کسی پوشیده نیست که این دو تا چه اندازه در رونق اقتصادی کشورها نقش داشته و مایحتاج مردم را تأمین می‌کند. این نکته را شاید از تأکید مکرر قرآن در توجه به گیاهان و میوه‌ها به‌عنوان خوراک مطلوب برای انسان و منافع بسیاری که برای چهار پایان ذکر کرده دریافت (مؤمنون: ۱۹-۲۱).

• (د) دوری از اسراف و تبذیر

یکی از شاخصه‌های مهمی که در رونق اقتصادی و توزیع و بهره‌داری صحیح از ثروت مؤثر است دوری از اسراف و تبذیر و مصرف درست است. از نگاه قرآن، زیاده‌روی در مصرف امری ناپسند است: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»؛ اسراف‌کاران برادران شیطان‌هایند و شیطان‌همواره به پروردگارشان ناسپاس بوده است (اسراء: ۲۷). در آیات قرآن نه تنها در مصرف روزانه از اسراف و تبذیر نهی شده و مردود اعلام شده است بلکه حتی در انفاق و بخشش نیز از اسراف و تبذیر منع شده است (اسراء: ۲۶).

• (ه) توزیع عادلانه ثروت و امکانات

در جامعه دینی که سعادت و تعالی انسان‌ها مطرح است، توزیع عادلانه ثروت و امکانات مادی یکی از راه‌های مهم پیشرفت مادی و معنوی به شمار می‌رود (حج: ۴۱). در آیه دیگر، پیامبر اکرم ۷ مأمور شده است تا به نفع اقشار محروم و آسیب‌پذیر اموالی را از صاحبان پول و سرمایه بگیرد و در اختیار آنان قرار دهد (مائده: ۲).

• (و) تعاون و همکاری

مردم مؤمن و خداجوی نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نبوده و برای رسیدن به جامعه ایدئال و عادلانه بر اساس دستور خداوند متعال باهم همکاری می‌کنند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَآ تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دست یار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است (مائده: ۲).

علامه طباطبایی (۱) در این زمینه می‌نویسد: این اساس سنت اسلامی است، خداوند سبحان آن را در کلامش به ایمان و احسان در عبادات و معاملات تفسیر کرده است (بقره: ۱۷۷). تقوا مراقبت نسبت به امر و نهی الهی است پس معنای تعاون بر اساس تقوا به اجتماع بر اساس ایمان و عمل صالح بر پایه تقوای الهی برمی‌گردد و این عبارت است از صلاح و تقوای اجتماعی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۳) بدین جهت این آیه مبارکه، انسان‌ها را به صلاح و تقوای اجتماعی فرامی‌خواند و این دیدگاه است که تحرک و پیشرفت در امور جامعه را سبب شده و باعث همگرایی و هم‌نوایی افراد می‌شود.

• (ز) تشویق کار

در آموزه‌های اسلامی، به کار و کارگر ارجحیت داده شده و کار همانند جهاد در راه خدا به حساب آمده است. در قرآن کریم، پس از نماز و یاد خدا تشویق به کار و کسب روزی شده است: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ پس چون نماز گزارده شد در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا (با کسب و کار، روزی) بجوید و خدای را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید (جمعه: ۱۰) در آیه دیگر، شب و روز از رحمت

پروردگار شمرده شده که در شب آرامش یابید و در روزه دنبال رزق و روزی و کسب درآمد با شید (قصص: ۷۳). در جای دیگر می‌گوید که کوشش در راه به دست آوردن رزق و روزی منحصر به زمین و خشکی نباشد و بلکه تا اعماق دریا پیش رفت و گوهر گران‌بها استخراج کرد و علاوه بر آن، با کشتی‌رانی، تجارت و سفر به دوردست‌ها با عنایت الهی سود سرشاری را نصیب خود کنید (نحل: ۱۴).

#### • ح) استفاده از صنعت

صنایع و نقش آن در توسعه و پیشرفت جوامع امروزی بر کسی پوشیده نیست، قرآن کریم به این مسئله اشاره کرده و به‌عنوان نمونه از صنایع نظامی و ساخت زره توسط حضرت داوود T نام برده شده است: «عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ»؛ و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند؛ آیا شکرگزار (این نعمت‌های خدا) هستید؟ (انبیاء: ۸۰). در آیه دیگر نیز، از صنعت زره سازی سخن آمده است که به‌فرمان الهی آهن در دست حضرت داوود نرم می‌شد و او در ساختن زره که مورد نیاز وی و قومش بود از این صنعت استفاده می‌کرد (سباء: ۱۰-۱۱). از این رو، صنعت در همه ابعاد آن یکی از ابزارهای مهم پیشرفت است و در خدمت بشر قرار دارد که انسان‌ها می‌توانند با استفاده درست و به‌جا وسایل رفاه و آسایش جامعه را فراهم آورد.

#### ○ نتیجه‌گیری

بر اساس آموزه‌های قرآنی، جوامع بشری در حال تغییر و تحول است که عوامل گوناگونی در پیشرفت و یا سقوط آن دخالت دارد؛ عوامل پیشرفت، بستگی به باور و عملکرد انسان دارد؛ هرچه آدمی از ایمان و خداواری دور شود، به همان اندازه به سقوط و هلاکت مادی و معنوی نزدیک می‌شود. بدین جهت، پیشرفت، به میزان نزدیکی و هم‌سویی انسان با خالق هستی‌بخش و یا دوری از او بستگی دارد. عدالت و میانه‌روی، از اصولی است که می‌تواند جامعه را به پیشرفت برساند. بدین جهت در قرآن کریم، این دو، نه تنها وصف فرد، بلکه به‌عنوان ویژگی جامعه مطلوب قلمداد شده و افراط و تفریط، نامطلوب و مضر توصیف شده است. کیفیت ارتباط و تعامل با بیگانگان در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی، برای جوامع اسلامی مهم و سرنوشت‌ساز است که از نظر سیاسی و فرهنگی، باید استقلال خود را حفظ کرد و نباید با دشمن هم‌سویی داشته و طبق خواسته‌های او رفتار کرد. از نظر امنیت داخلی، باید شاخص‌های امنیت را بالا برد؛ و در مقابل تهدیدهای خارجی، لازم است بنیه دفاعی و بازدارندگی را تقویت کرده و منتظر اقدامات نظامی دشمن نشست؛ و از نظر اقتصادی، باید صنعت و کشاورزی را تقویت کرده و متکی به توان داخلی بود، به‌گونه‌ای که دشمن نتواند سلطه اقتصادی پیدا کرده و مسلمانان را وابسته خود کند. پیروی مردم از رهبر امت اسلامی، می‌تواند امت را در رسیدن به ترقی و تعالی کشور کمک کند؛ زیرا رهبر به‌تنهایی و بدون کمک مردم نمی‌تواند کاری را انجام دهد و این مردم است که تحقق‌بخش خواسته‌های وی است؛ بنابراین اگر انسان با مطالعه دریافت اصول ارزشی در جامعه تضييع شده و تباه گردیده و نیرنگ و غرور و فریب جای آن را گرفته و همچنین اگر پست‌های ح‌ساس جامعه در اختیار فرومایگان قرار گرفته و انسان‌های فاضل و شریف از تصدی آن مشاغل محروم‌اند، می‌تواند استدلال کند که آن جامعه به سوی سقوط و انحطاط می‌رود و اگر یافت که اصول ارزشی بر ارکان جامعه حاکم است، صداقت، امانت‌داری، تلاش عدالت‌ورزی و آزادی در

عوامل پیشرفت جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم و احادیث ■ ۱۴

آن جامعه برجسته است و انسان‌های شریف و فاضل مسئولیت‌های گوناگون را به عهده‌دارند؛ از این رو آن جامعه پیشرفت خواهد کرد.

۱. اسدی، علی (۱۳۶۹)، توسعه بر جاده تکنولوژی می‌تازد، تهران: تدبیر.
۲. شریفی، علی مدد (۱۳۹۲)، «سخن نخست»، نشریه علمی فرهنگی قلم. س ۱. ش ۱.
۳. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵.
۴. طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۷۳)، اوصاف الاشراف، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. عبد الباقي، محمد فؤاد (۱۳۸۳)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، تهران: انتشارات حر.
۶. قطب، سید (بی‌تا)، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشرق.
۷. کرمی فریدونی، علی (۱۳۸۵)، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم: نسیم انتظار.
۸. محمدی آشنایی، علی (۱۳۹۲)، جامعه آرمانی قرآن کریم، قم: موسسه بوستان کتاب.
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چ ۳۲.
۱۱. بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۸). [khamenei.ir](http://khamenei.ir).